

- حق الناس سه مصداق دارد که اولی آن حق الناس در درآمد های حرام است. حق الناس در درآمد های چهار مصداق دارد که دو مورد آخر آن عبارت هستند از: ۱- رشوه ۲- دزدی
- دومین مصداق حق الناس در مسائل مالی و حقوقی است: ۱- فراموش کردن بدهی و قرض ۲- اموال پیدا شده ۳- رعایت نوبت ۴- ضمان
- مثال برای ضمان، دیه ای است که در برابر زدن شخصی بر عهده مان می باشد.
- برای زدن فرزند باید ۵ شرط باشد و اگر یک مورد نباشد زدن حرام است.

رشوه

«...وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ...» ۱۸۸ بقره خداوند می فرماید وقتی پیش حکام رفتید رشوه ندهید. برای بدست آوردن دل آن ها کار نکنید. رشوه هم همیشه پولی نیست، همیشه با نام رشوه نیست. گاهی اوقات با نام هدیه است. در رساله مراجع آمده است که تغییر نام رشئه به هر عنوانی، مثل هدیه یا شیرینی، فرقی ندارد و حرام است. ما فکر کردیم اگر نام یک عملی را عوض کنیم، خود عمل هم عوض می شود؟ مثلاً شرط بندی می کنیم و می گوئیم نذر کردم. نذر چیست؟ هر چیزی که دو طرفه باشد، می شود شرط. من بگویم اگر تیم آبی ها برنده شد نذر می کنم به شما شیرینی بدهم و اگر تیم قرمزها برنده شد آقای فلانی نذر می کند شیرینی دهد. بنده خدایی درحال باد زدن جیگر بود و همینکه دید گربه ای به جگر ها نگاه می کند، گفت: بَلَالِ بَلَالِ ...!!! با عوض کردن نام رشوه، که رشوه هدیه نمی شود. اصلاً چه کسی گفته که اگر آنجا هدیه باشد ایرادی ندارد؟

دزدی

مورد بعدی دزدی است «لا یسرqn دزدی نکنند آن ها. دزدی حتماً این نیست که ما از دیوار خانه ی مردم بالا برویم. الان من سخنران نیز اگر بدون مطالعه برای شما صحبت بکنم این هم دزدی است. دزدی در وقت شما و این هم حق الناس است.

شکل های مختلف رشوه

ببینید گاهی اوقات یک خنده یا چشمک، حکم رشوه را پیدا می کند، ما در صف ایستاده ایم و یک لبخند قشنگ تری به آن بنده خدا می زنیم و او زودتر کار ما را راه می اندازد. این هم رشوه است. بعضی از خانم ها وقتی می روند در بعضی ادارات، جوری صحبت هاشان را قِر می دهند، اینها هم مشکل دارد. قِر دادن کلام جدا از اینکه بخاطر نوع صحبت کردن، فعل حرام است، رشوه هم محسوب می شود. چون آن خنده باعث می شود که کارش زودتر راه بیافتد.

دزدترین دزدها

دزدترین دزدها در روایت چه گروهی بیان شده اند؟ دزدترین دزدها گاهی اوقات می بینید که خودمان هستیم. چون در لفظمان چنین چیزی مشخص است. روایت است که دزدترین دزدها کسی است که بخواهد مهریه همسرش را ندهد. اگر ما دزدترین دزدها نیستیم که قطعاً نیستیم پس این چه حرفی است که اول ازدواج می زنیم؛ «مهریه را کی داده و کی گرفته؟» خوب طبق این روایت که دزدترین دزدها هستیم. ائمه ی معصومین (ع) از حلالترین پول هایشان برای چند جا خرج می کردند. یکی حج، یکی خرید کفن و دیگری مهریه ی همسرشان. آقایان تلاش کنند همان روز های اول مهریه ی همسرشان را بدهند، این پیشنهاد ما به آقایان است.

اما از آن طرف هم به خانم ها یک جمله عرض کنم، در روایات است که سه گروه با حضرت زهرا (س) محشور می شوند و فشار قبر ندارند. یک؛ کسی است که بر نداری شوهرش صبر کند. دوم؛ کسی است که بر بداخلاقی همسرش صبر کند و سوم کسی که مهرش را بر همسرش ببخشد. آقایان مهریه را بدهند و خانم ها خواستند ببخشند. حالا در خانه نگوئید؛ می خواهی با حضرت زهرا (س) محشور بشوی یا نه؟ می گوید نه نمی خواهم، همینکه بر بداخلاقی تو صبر می کنم، با حضرت زهرا (س) محشور می شوم.

بیماری با ازدواج خوب می شود؟

در ازدواج می گویند این آقا پسر یا دختر خانم شما ایرادی ندارد؟ می گوئیم: نه آقا چه ایرادی دارد؟ خیلی هم خوب است. چون پدرها و مادرها معمولاً می گویند باید بچه ما را از خدا هم بخواهند. خوب این تدلیس در ازدواج است. از لحاظ فقهی آن شخص می تواند آن ازدواج را بر هم بزند. خوب بچه مان سیکل دارد، چه نیازی است که بگوئیم لیسانس دارد؟ یک بیماری دارد، می گویند ازدواج بکند خوب می شود. چه کسی گفته است بیماری با ازدواج خوب می شود؟ شخصی که رفیق باز است کجا با ازدواج خوب می شود؟ کسی که بد دهن است، کسی که سیگاری یا معتاد است، کسی که بیکار است، چه کسی گفته است که با ازدواج خوب می شود؟ صبح تا شب می خوابد و می گوید من حوصله ندارم سر کار بروم. حقیقتاً اگر برای دختر خودمان اینچنین خواستگاری می آمد، راضی می شدیم که حالا برای دختر مردم می فرستیم؟ ما که دیدیم خوب نشدند و بعد از ۲ یا ۳ سال طلاق می گیرند. حالا بحث هایی وجود دارد که ما سفارش نمی کنیم گفته شود. مثلاً شخص در نوجوانی یک بار سیگار کشیده است. اشتباه کرده. ما می گوئیم اگر خانم بعدها متوجه نمی شود، نگو، نیازی نیست. یا مثلاً این آقا یا خانم اشتباهاً یک بار هم، صحبتی یا رابطه ای با نامحرم داشته است. تمام شده است و بعد هم قرار نیست کسی متوجه بشود، پس نیازی نیست که در خواستگاری گفته بشود. اما اگر ایرادی هست که ما الان داریم، باید گفته شود و اگر نه مصداق دزدی است و ما دختر یا پسر مردم را دزدیده ایم.

خیلی اوقات انسان بدهی و قرض را فراموش می کند. ممکن است به ذهن شخصی بیاید که آقا فراموش نمی کنیم، اصلاً ما فراموش کنیم، طرف مقابل که فراموش نمی کند. می آید و به زور از ما می گیرد. بله این در جایی است که بدهی سنگین است. اما جاهایی که بدهی سبک است، هم آن طرف یادش می رود و هم ما فراموش می کنیم. مثلاً ۲۰۰ تومان، ۵۰۰ تومان. اینها را که دیگر یادمان می رود. مثلاً رفتیم نان خریدیم، پول خرد نداشتیم. و شخص می گوید برو و بعداً برآیم بیاو. شما هم می گوئید باشدیف اما پادم یادش می رود. ما که پیشنهاد می کنیم تا جایی که امکان دارد زیر بار قرض نروید. خصوصاً قرض های کوچک. یا نهایتاً اجازه بدهیم که ما طلب کار بشویم، بجای اینکه بدهکار بشویم. به فرض اینکه یادمان رفت، خوب چیزی نمی شود دیگر.

مال پیدا شده

چیزی در مسجد پیدا کردیم. چه کار می کنیم؟ به کجا می دهیم؟ خوب طبیعتاً به خادم مسجد می دهیم. ضامن هستید، نمی توانستید بدهید، می دهید به امام جماعت مسجد، باز هم ضامنید و نمی توانستید بدهید. بر می دارید و بیرون می برید، باز هم ضامنید، نمی توانستید بیرون ببرید. پس چه کنیم؟ دست نزنید.

رفتار امام علی (ع)

حضرت علی (ع) در حال گذر از بازار بودند، قصابی گفت: آقا امروز گوشت خوبی آورده ام. حضرت فرمودند: نه، گفت: آقا مگر در خانه گوشت دارید؟ حضرت فرمودند: نه. گفت: پس چرا نمی خرید؟ حضرت فرمودند: پول ندارم. گفت: آقا، پولش را بعداً بیاورید. حضرت فرمودند: گوشتش را بعداً می خورم. چرا زیر بار قرض برویم؟ خدا نکند که انسان بخواهد از یک شخص بخیل، حریص، منت گذار یا متکبری بخواهد قرض بکند! او که دیگر تکلیفش مشخص است. اولاً قرض نمی دهد و بعد هم که بخواهد قرض دهد چه منتی خواهد گذاشت. شخصی رفت پیش بنده خدایی و گفت: آقا قابلمه ای داری؟ گفت: قابلمه سیاه یا سفید؟ گفت: قابلمه است دیگر چه سیاه و چه سفید باشد. حالا چرا می پرسی؟ گفت: وقتی آدم نمی خواهد چیزی را بدهد همین یک بهانه برایش بس است. یعنی اگر تو بگویی سفید، می گویم سفید ندارم و اگر بگویی سیاه می خواهم، می گویم سیاه ندارم. خدا نکند انسان بخواهد از این طور افراد قرض بگیرد.

تا می توانید قرض نگیرید

زندگی بدون وام نیز می شود. یک زمان انسان برای نیازهای ضروری وام می گیرید ولی به جرات می توانم بگویم که بیش از ۹۰ درصد این وام ها به هیچ دردی نمی خورد و شخص لازم ندارد. ماشین دارد اما می گوید می خواهم ماشین مدل بالا بخرم. روایت است که وام گرفتن در روز و شب یا غث دغدغه می شود. در روز باعث می شود که انسان گردش را جلوی مردم کج کند و در شب باعث می شود که انسان نتواند باشم در بسیاری از جاها زیر بار قرض نمی رویم.

احکام مال پیدا شده

اولاً تمام فقها می فرمایند: برداشتن مال پیدا شده کراهت دارد. اما احکام مال پیدا شده این است: هر کس دست به مال پیدا شده بزند، ضامن است و باید صاحبش را پیدا کند. مثلاً الان من وسیله ای پیدا کردم مثلاً استکان. به شما می دهم یک نگاه بیندازید و ببینید صاحبش را نمی شناسید؟ شما نگاه میکنید و می گوئید: نه نمی شناسم. شما هم ضامن شدید. هر کس به دست بگیرد قبض پیدا شده و قبض که پیدا شود، ضامن شده اید (قبض یعنی گرفتن نه رسید چیزی). مثلاً در مسجدی که هستیم همیشه به خادم مسجد می گوئیم، هر چیزی به شما دادند نگیر. بگو: آقا روی آن میخ بگذارید و دست نزن. یا اگر وسیله ای است بگوئید: آن کنار بگذارید و شما دست نزنید.

مالی که شما پیدا می کنید دو حالت بیشتر ندارد یا نشان دار است و یا بی نشان. اگر نشان دار است باید ببینید چیز قابل توجهی هست یا نه. اگر هست، بایستی تا یک سال در اجتماع عمومی هر هفته اعلام بکنید و احکام خاص خودش را دارد. مگر اینکه شخصی از شما قبول کند، دیگر آن ضمانت را گرفته است. اگر کم ارزش بود و عرف می گوید صاحبش بر نمی گردد، فقها احتیاطاً می گویند پولش را رد مظالم بدهید ولی اگر صاحبش برگشت و گفت کجاست؟ شما باید پول معادلش را بدهید و ثواب رد مظالمی که دادید، برای شما می شود. اما اگر جنس بی نشان است مثلاً پول، فقها اختلاف نظر دارند، مقام معظم رهبری و حضرت امام می فرمایند: ۱۲/۵ نخود نقره بیشتر است یا کمتر؟ اولاً شما یقین دارید که صاحبش پیدا نمی شود (یعنی اگر می دانید که اطلاعیه بزنید صاحبش پیدا می شود که باید این کار را انجام بدهید) اگر کمتر است می توانید برای خودتان بردارید ولی اگر ۱۲/۵ نخود نقره با پول الان حدود ۱۰ هزار تومان می شود. یعنی تا ۱۰ هزار تومان می توانید برای خودتان بردارید. هر چند ما سفارش نمی کنیم، ما می گوئیم این کار را انجام ندهید و صدقه بباندازد، حیف است بعضی پول ها با پول حلال شما مخلوط بشود. شکل آن حلال است اما معلوم نیست پول آن حلال بوده است. اگر بیشتر از این مقدار باشد، آنجا باید اطلاعیه بزنید و اگر صاحبش پیدا نشد رد مظالم بدهید. رد مظالم یعنی به دفتر مرجعتان بدهید.

نمونه عملی

خداوند رحمت کند آیت الله انواری را، ایشان پیرمرد بودند و خانه شان نجاری بود، می بیند ایشان با قد خمیده شان فردای بعد از نجاری، آمدند نزد نجار. نجار می گوید آقا چه شده من کم کاری کرده ام؟ اتفاقی افتاده است؟ ایشان می گوید: نه، چند تا میخ جا گذاشته بودید، برایتان آورده ام، حالا این را نگاه کنید با کسانی که در خانه کار می کنند و جعبه ابزارشان را می گذارد و ما تا صبح هر طور می خواهیم، از آن درل و چکش و بقیه ابزار استفاده می کنیم. آقا! این صاحب دارد، نمی توانیم بدون اجازه استفاده کنیم، مگر اینکه یقین داشته باشیم راضی است.

رعایت نوبت هم انسان باید دقت کند مثلاً چراغ، الان الحمد الله فرهنگی است که ماشین ها پشت چراغ قرمز می ایستند، اما متأسفانه این فرهنگ بین موتور و دوچرخه و عابرین پیاده کمرنگ است، خصوصاً عابرین پیاده. آقا! حق الناس است وقتی ما رد می شویم، آن ماشین بایستی ترمز بزند و این حق الناس است یا نیست؟ حضرت امام در نوفل لوشاتو می گویند، هیچ زمانی از خیابان عبور نمی کردند مگر می رفتند از خط عابر پیاده رد می شدند. این دقت است.

ضمان

ما کاری می کنیم و ضامن می شویم. مثل دیه، مثل کتک زدن فرزند. بچه را می توانیم کتک بزنیم یا نمی توانیم؟ هم می توانیم و هم نمی توانیم. بچه را می توانیم کتک بزنیم اما به ۵ شرط؛ اگر یکی از این شروط را نداشته باشد نمی توانیم کتک بزنیم: ۱- بچه فعل حرام یا کاری که مقدمه ی حرام است انجام داده باشد. پس اگر بشقاب را شکست یا پایش رفت داخل ظرفی نمی توان کتک زد. ۲- از سه ضرب بیشتر نباید باشد. ۳- مادر نمی تواند فرزند را کتک بزند، اما پدر می تواند. مگر اینکه مادر در آن مسئله از پدر اجازه پرسیده باشد. ۴- متوقف بر زدن باشد یعنی اگر احم و قهر کردیم یا تهدید کردیم و باز هم بچه سر براه نشد. ۵- اثر نباید بیافتد یعنی به گونه ای بزنیم که اثری نیافتد. اگر اثری به جا بماند، جدای از اینکه فعل حرام انجام داده ایم، باید به بچه دیه هم بدهیم. فکر کردید دیه اش چقدر است؟ دیه ی صورت دو برابر بقیه ی اعضا است. اگر یکی به صورت فرزندش زد و مثلاً فرض کنید به اندازه ی نصف انگشت کبود شد، این دیه اش حدود ۱۰ میلیون تومان است. نمی توانیم با یک شکلات راضی اش کنیم. چون هنوز بچه به سن شرعی نرسیده است که رضایت بدهد. باید دیه را بدهید مگر اینکه به سن شرعی رسیده باشد و آن موقع خودش اجازه بدهد..

نمونه های حق الناس

می گوید آقا من از چراغ خطر پیاده عبور کردم و ماشین دور بود. می گوییم باشد، اگر ماشین نبود که هیچ، اما اگر بود وقتی شما عبور کردید، یک لحظه پایش را از روی گاز برداشت یا نداشت؟ به همان اندازه باید آن دنیا جواب بدهی. ظلم بوده، چون ما اجازه نداشتیم از خیابان عبور کنیم. یا ماشین را در پیاده رو می گذاریم، این حق الناس است. ماشین موقعی که پشت چراغ قرمز می ایستد روی خط عابر پیاده می ایستد، این حق الناس است. در خانه مان را به گونه ای می بندیم که مردم اذیت می شوند. گاهی اوقات شنیده می شود در اداره، بخاری را در زمستان از ظهر که می روند روشن می گذارند زیرا، فردا می آیند هوا گرم باشد. این ها اسراف است، حق الناس است. اموال بیت المال است. هوا خنک است چرا کولر را روشن می کنند؟ بعد هم می گویند: آقا ما این قدر برای اداره کار کردیم، اینقدر را که حق داریم. کار کردی حقوق گرفتی. منت سر چه کسی می گذاری؟

یکی از علمای بزرگ اصفهان که الان هم قبر ایشان زیارتگاهی است، ایشان معروف است به شیخ مرتضی زاهد. همسایه ی ایشان می گوید یکبار ایشان آمدند خانه ما وضو بگیرند. فردای آن هم دوباره آمدند وضو بگیرند. گفتم آقا جسارتاً مگر حوض خانه ی شما را آب نکردند؟ (قدیم این طور بوده و می آمدند به صورت نوبتی حوض ها را آب می کردند. مثلاً یک روز، دو روز یا چهار روز) ایشان فرمودند: چرا، شخصی که خواست آب کند، اول باید از آنطرف خیابان آب می کرد اما تا فهمید اینجا خانه ی شیخ مرتضی زاهد است، اول آمد و حوض خانه ی مرا آب کرد. من از آن آب وضو نمی گیرم. می گوید: تا زمانی که آن حوض آب داشت، شیخ مرتضی زاهد از آن استفاده نکرد. این می شود دقت. شما این دقت ها را با کارهایی که امروز می شود مقایسه کنید. ما می گوییم یک میخ یا یک آب بدون نوبت، اما حالا با سه هزار میلیارد تومان و این مواردی که انسان می شنود، باید به خداوند پناه برد.